

نقش رسانه‌ها در کنترل و امنیت اجتماعی

دکتر داریوش جهان‌بین*

مقدمه:

آیا رسانه‌ها در جامعه جرم آفرین‌اند؟ نمایش جرم و خشونت از طریق رسانه‌ها چه تأثیری بر افکار عمومی می‌گذارد؟ چه علل و عواملی سبب تأثیرگذاری تصاویر خشن رسانه‌ها بر جرایم اجتماعی می‌شود؟ بازتاب خبری جنایات و جرایم چه احساس و نگرشی در مردم پدید می‌آورد؟ خشونت رسانه‌ای از چه ویژگی‌ها و مولفه‌هایی برخوردار است؟

مقاله حاضر در جهت پاسخگویی به سؤالات فوق و بررسی تأثیر رسانه‌ها بر محیط ذهنی مخاطب و تأثیرات القایی آن، و تعیین نسبت رسانه با مقوله کنترل و ثبات اجتماعی به رشته تحریر درآمده است. رسانه نه به مثابه علل جرایم بلکه به عنوان عاملی که می‌تواند دو نقش فرصت‌زا و تهدیدزا را به همراه خود داشته باشد مورد تأمل قرار گرفته و با تخمین فرصت‌ها و برآورد تهدیدها به احصای این دو نقش و چگونگی آنها در حوزه امنیت و کنترل اجتماعی پرداخته شده است.

رسانه‌های جمعی به عنوان عللی که بیانگر افکار عمومی می‌باشند می‌توانند نقش ساخت‌بخشنده و محرک داشته باشند، این پدیده از چنان قابلیت برخوردار است که می‌تواند حادثه‌ای را که در حقیقت در سرنوشت افراد

جامعه تأثیرات جدی ندارد، چنان جلوه گر نماید که افکار عمومی را بشدت تحت تأثیر قرار داده و آن حادثه را به عنوان یک رویداد مهم و مؤثر مدتها در ذهن و دل مردم جای دهد و حواس آنها را نسبت به سایر مسائل مهمتر و اساسی‌تر زندگی منحرف سازد. و یا واقعه‌ای بس مهم را چنان خوار و زشت و پیش‌پا افتاده سازد که کسی متوجه ارزش و اهمیت آن نگردد.^(۱)

در جهان امروز رسانه‌ها در فرآیند تبه‌کاری و انعکاس وقایع جنایی از اهمیت و قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردارند. از این رو هیچ عالم علوم اجتماعی نمی‌تواند نسبت به نقش این پدیده بی‌تفاوت باشد و براحتمی از کنار آن بگذرد و این امر ریشه در سازوکار دو وجهی «امنیت برانداز» و «امنیت گستر» رسانه‌های ارتباط جمعی دارد. رسانه‌ها می‌توانند نقش و مرز بین واقعیت و غیر واقعیت را کدر نموده و اطلاعات را به زیر پرده کشیده و چهره‌های مشوش و مخدوش از جرم، مجرم و جنایت، بزه‌کاری، واکنش اجتماعی، امنیت اجتماعی به نمایش گذارند، اذهان و ابدان را به سخره گرفته و دنیای تنیده شده از پنهانکاری و وانموده* در برابر مردم به تصویر کشند، و از چنان قابلیت برخوردارند که با ساختن فضای مه‌آلود «نیست‌ها» را «هست» و «هست‌ها» را «نیست»، صادق را «کاذب»، «فراوانی» را «کمبود» و «امنیت» را «ناامنی» جلوه دهند.^(۲)

عدم شناخت نقش رسانه‌ها، فرآیند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری را در سطح کلان با مشکل مواجه می‌سازد و سبب سترون شدن نهادهای متولی نظم آفرینی و افزایش دامنه آسیب‌پذیریهای اجتماعی و نشو و نمای جرم و جنایت در جامعه می‌شود.

در این نوشتار با بر شمردن مفاهیم کلیدی، نقش و کارکرد رسانه و ذکر انواع رسانه‌های ارتباط جمعی، به بررسی نقش هر یک از رسانه‌ها در فرآیند تبه‌کاری و تعیین نسبت جرم و رسانه پرداخته و با ذکر علل و عوامل تأثیرگذاری رسانه‌ها و آرایه شواهد و مصادیقی در رابطه با تأثیرات رسانه‌ها در دو عرصه جرم‌زایی و جرم‌زدایی به آثار روانی و اجتماعی تأثیر نمایش فرآیند تبه‌کاری و پدیده جنایی توسط وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً بر روی کودکان و نوجوانان به

جرایم تقلیدی اشاره نموده و از جامعه‌شناسی جنایی به تحلیل نقش رسانه‌ها در فرآیند کنترل و امنیت اجتماعی پرداخته‌ایم.

الف - ترسیم چارچوب مفهومی

۱- مفهوم امنیت اجتماعی*

یکی از مقولات مورد توجه خاص واحدهای سیاسی و کشورهای جهان و منعکس کننده توان یک نظام سیاسی، توانایی آن در نظم آفرینی و ایجاد امنیت در ابعاد و وجوه مختلف آن است. به دلیل نسبت حاکم بر مفاهیم علوم انسانی واژه امنیت** غالباً با واژه گانی: نظیر فرصت تهدید، فرض، احتمال و ریسک همراه همیشگی است. امنیت دو وجه سلبی و ایجابی دارد. امنیت در وجه سلبی آن به معنای نبود ترس، مخاطره، هجوم و تجاوز و تخطی دیگران به حقوق فردی و جمعی است. و در وجه ایجابی وضعیتی که احتمال ارضای نیازها و مطالبات و احتیاجات و بروز اطمینان خاطر، اتحاد فردی و اجتماعی، اعتماد به نفس و پذیرش از سوی گروه و غیره اطلاق می‌گردد.^(۳) مفهوم بندی واژه «امنیت» کاری است بس دشوار در عین حال که از سایر مفاهیم محوری در علوم اجتماعی مشکلتر نیست. در حوزه علوم اجتماعی، مفاهیم حالت گسترده‌ای دارند. و روی نقطه کافی متمرکز نیستند و به همین جهت نمی‌توان آنها را کاملاً تعریف کرد. بلکه در موارد خاصی قابل تعریف هستند و از این رو برای روشن کردن مرزهای کاربرد آنها به تحلیل ثوریک نیاز است.^(۴)

امنیت به مفهوم سستی آن عبارت است از امنیت نظامی و توسل به قوای قهریه برای حصول آرامش و فرار از خطرات، این مفهوم ناظر به شرایطی است که کشور مصون از تعرضات و قادر به حفظ ارزشهای سیاسی و فرهنگی و تأمین رفاه عمومی و برطرف نمودن عوامل تهدیدزا باشد، نخستین نظریه پردازان علوم اجتماعی این مفهوم را مورد

*- Social Security

** - Security

توجه قرار داده‌اند، نظریه پردازان در حوزه صلح نظیر هابز، لاک، منتسکیو در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی در کنار فرضیه دولت (لویاتان) و اصل قرارداد اجتماعی آن را مطرح نمودند. هابز معتقد است: صلح و امنیت برای رهایی مردم از ترس دایمی و ابتلائات فیزیکی و جسمی ضروری است^(۵). جان لاک درباره صلح و امنیت نقطه مقابل نظر هابز را مطرح می‌کند و می‌نویسد مقصود از صلح و امنیت تنها آن نیست که زنده باشیم، بلکه منظور آسایش و ایجاد تسهیلات مشخص می‌باشد که حق طبیعی ماست و وظیفه مؤسسات دولتی است که آن را تحصیل و نگاهداری کنند.^(۶)

منتسکیو درباره صلح و امنیت عقیده دارد: چون امنیت نتیجه صلح و صلح اولین قانون طبیعی است، لذا بزرگترین اصل در حکومت ایجاد امنیت است و مقصود از امنیت حفظ حیات نیست، بلکه تأمین آزادی است. تکیه منتسکیو بر آزادی و به وجود آوردن زمینه‌های لازم جهت اظهار نظر شهروندان و ایجاد آرامش و نظم عمومی از نکات قابل تأمل است.^(۷)

امنیت امروز دچار تصور مفهومی گشته، از رویکرد نظامی محور خود فاصله گرفته و پارامترهای نرم‌افزاری جایگزین پارامترهای سخت‌افزاری گشته‌اند و روز به روز نیز ابعاد غیرنظامی آن نمود کمتری می‌یابند، امنیت ملی دارای دو بعد داخلی و خارجی است، ذیل بعد داخلی، امنیت عمومی و امنیت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد.

جرم و جنایت و اعمال ضداجتماعی یکی از عوامل بی‌ثبات کننده سازمان اجتماعی و مخل نظم امنیت عمومی در سطح داخلی است. وجود بزهکاران در بطن جامعه نه فقط امنیت اجتماعی را به خطر می‌اندازد، بلکه قدرت را نیز در قبال جامعه تهدید می‌کند. پدیده جنایی همیشه دل و خیال آدمیان را به خود مشغول داشته است و گاه همین وحشت نیز مانع از تفکر علمی درباره این پدیده نظم شکن شده است. جامعه با وضعیتی که با تعیین مجازات در برابر جرم پیش می‌گیرد شخصیت خود را بهتر آشکار می‌سازند. باید تصدیق کرد که این شخصیت، عنصر پراهمیتی برای شناسایی و سنجش ارزشهای جاری در یک جامعه و بررسی تحول اندیشه‌ها و احساسات جمعی گروه‌های

اجتماعی مختلف در برابر بعضی از رفتارهاست.^(۸)

توجه به جرم و مجرم از سالیان دور مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی، فلاسفه، پزشکان، روان‌شناسان و روان‌پزشکان و زیست‌شناسان بوده است. زیرا تأمین امنیت در جامعه برای شهروندان از اهمیت وافری برخوردار است و در این مسیر فرآیندهایی که رفتار اعضای جامعه را برای سازگاری با هنجارهای عمومی و ارایه الگوهای رفتاری تحت تأثیر قرار می‌دهند یعنی کنترل‌های اجتماعی بسیار مهمند.^(۹)

۲- رسانه جمعی*

ارتباطات سه شکل اساسی دارد:

۱- ارتباطات رودررو یا کنش متقابل رودررو که مشخصه آن تعویض جای مخاطب و گوینده و تحقق آن در یک چارچوب مرجع فرهنگی واحد است یعنی با یک بروز ناگفته و نانوشته‌ای ما مشترکاتی داریم که کلمات و پیامهای همدیگر را می‌فهمیم و آنچه که رد و بدل می‌گردد صرفاً کلمات نیست بلکه حرکات و چهره‌ها و ژست‌ها و تن صدا و تعداد کلمات و جملات به کار گرفته شده است. که در فهم پیامها به افراد جامعه کمک می‌کند. و فهم این مجموعه مستلزم داشتن یک چارچوب مرجع فرهنگی واحد است، این شکل مسلط در ارتباط گروههای کوچک نظیر خانواده بیشتر به چشم می‌آید. در آنجا ما از نظر زمان و مکان ارتباط، مشترک هستیم یا مقید به زمان و مکان مشترکی می‌باشیم.

۲- شکل دیگر، تعامل با واسطه است یعنی ما به واسطه یک رسانه ارتباط برقرار می‌کنیم. در اینجا اگرچه مکان مشترک نیست و حتی زمان هم می‌تواند مشترک نباشد ولی با زبان واحد مشترک صحبت می‌شود.

از این رو ما یک چارچوب مرجع مشترک خواهیم داشت، بنابراین در این حالت گاهی بین کسی که پیام را می‌فرستد و کسی که پیام را دریافت می‌کند، ما شاهد چارچوب فرهنگی مشترکی نیز می‌باشیم. نوع ترکیب ارتباطات شامل طرق حرکات دست و

صورت، ژستها و بالا و پایین آمدن تن صداهاست.

۳- شکل غالب ارتباط در دوران نوین شبه تعامل با واسطه است یعنی ارتباط از طریق وسایل ارتباط جمعی بخصوص تلویزیون می باشد که در آن جای گوینده و مخاطب عوض نمی شود. ارتباط عمده به این شکل است که یک طرف صحبت می کند طرف دیگر پیام را دریافت می نماید و مقید به زمان و مکان مشترک هم نیست و چارچوب مرجع واحد فرهنگی هم در این نوع ارتباط وجود ندارد. نظیر دریافت محصولات رسانه ای و ماهواره ای و غیر ماهواره ای بدون آن که ما دخیل در فرهنگ فرستنده پیام باشیم. فقدان چارچوب فرهنگی مشترک، ورود نهادها و مفاهیم فرهنگهای دیگر را به فرهنگ خود و تغییر در فهم مخاطبین و تجربه ارتباطی نوین را در پی خواهد شد، که به تبع آن تغییر در هویت فردی و گروهی، تکثیر منابع هویتی و تجربیات زیستی متنوع را شاهد خواهیم بود و این از پیامدهای رسانه ها در عصر جهانی شدن* و ورود به مرحله نوین است. (۱۰)

رسانه های گروهی تمامی وسایل و ابزارهای ارتباطی را شامل می شود که در اختیار گروه های کثیری از مردم قرار دارد و در سطح گسترده به انتشار اطلاعات و اخبار و عقاید و نظرها می پردازند. و مصادیق آن عبارتند از: تلویزیون، سینما، مطبوعات، رادیو، نشریات ادواری، شبکه های رایانه ای، رسانه ها نقش ویژه ای در فرآیند جامعه پذیری** و آموزش و یادگیری هنجارهای*** فرهنگی و اجتماعی و سیاسی دارند و به عنوان ابزارهای کنترلی و نظارتی و ناقل ارزشهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یک جامعه، محورهای ارزشی و قانونی را از یک نسل به نسل دیگر انتقال داده و به بقای سیستم و جلوگیری از انقطاع نسلی و طی نمودن مراحل جامعه پذیری کمک می نمایند. رسانه های گروهی در شکل دهی به گرایشها و ارزشهای متداول در یک جامعه و تعلیم

*- Globalization

** - Socialization

*** - Norms

رفتارهای اجتماعی مطلوب و نامطلوب نقش مهمی ایفا می‌نمایند، با افزایش نقش رسانه‌های ارتباط جمعی در چند دهه اخیر از نقش پرورشی خانواده و مدرسه کاسته شده و این نهادها بخشی از کارکرد و نقشهای خود را به رسانه‌ها واگذار نموده‌اند. این امر بر اهمیت آموزشی این وسایل افزوده است. با توجه به این نقش افکار عمومی نگران جرم‌زا* بودن رسانه‌های جمعی است. و نمی‌تواند نسبت به نقش و کارکردهای آن و مجاری پیام‌رسانی بی‌تفاوت باشد، این در حالی است که صاحب نظران ارتباطات اجتماعی معتقدند رسانه‌های جمعی برای افکار عمومی تصمیم‌سازی نمی‌کنند. بلکه فقط نقش کوچک‌سازی یا بزرگ‌سازی موضوعات و حوادث را بر عهده دارند. رسانه‌های جمعی ابتدا منحصر به مطبوعات و رسانه‌های نوشتنی (مکتوب) بود. اما به تدریج رسانه‌های شنیداری نظیر رادیو و کاست و رسانه‌های تصویری نظیر تلویزیون و ماهواره و اینترنت نیز افزوده شده‌اند که هر کدام نیز ساختار و کارکردهای خاص خود را دارد. اما همگی در این که مخاطبان آن همگانی و افکار عمومی هستند مشترک می‌باشند.

۳- عامل (جرم‌زا)** - جرم‌زدا*** (بازدارنده)

وضعیت جسمی یا روانی یا اجتماعی که در رشد و افزایش جرایم نقش مهمی بازی می‌کند، عامل نام دارد. عامل به وجود آورنده جرم نیست بلکه پرورش دهنده جرم است. تأثیر عامل در افراد مختلف متفاوت است، چه بسا افرادی تحت عواملی مرتکب جرم شوند در صورتی که افراد دیگری که در وضع مشابه آنان قرار داشته و با همان شرایط در اجتماع به سر می‌برند مرتکب جرمی نشوند. به طور مثال صدها نفر یک فیلم جنایی سینمایی را تماشا می‌کنند، فقط عده‌یی از آنان تحت تأثیر موضوع همان فیلم مرتکب جرم می‌شوند. علت این امر وجود اختلاف در گرایشها، استعدادها، شرایط، محیط خانوادگی، محیط اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، سیاسی، وضعیت جسمی و

* - Crimnogenic

** - Decriminogenic

*** - Criminogenic Factors

روانی افراد است که سبب قدرت مقاومت گشته و افراد را از یکدیگر متمایز می‌کند. تعیین یک رابطه دقیق بین عامل و معلول مشکل است، زیرا در تمام موارد عامل در بروز جرایم تأثیر مطلق و قاطع ندارد.^(۱۱)

۱-۳- عوامل جرم‌زا:

افراد تحت تأثیر عوامل فردی (جسمی یا روانی)، عوامل مستعد کننده (آثار ارث)، عوامل آماده کننده (الکلیسم) و عوامل ایجاد و عملی کننده (محیط) و یا عواملی که نقش تعیین کننده دارند به طرف ارتکاب جرم کشانده می‌شوند این امر که عامل به تنهایی و صد درصد در وقوع جرم نقش داشته باشد، نادر است، بلکه بر اثر جمع شدن عوامل مختلف فردی و جمعی بزه به وقوع می‌پیوندد.

۲-۳- عامل بازدارنده:

تعدادی از افراد تحت تأثیر عقاید مذهبی، اصول اخلاقی، وضعیت جسمی و روانی، موقعیت اجتماعی، در شرایطی هستند که با وجود بودن عوامل جرم‌زا مرتکب جرم نمی‌شوند، بدین معنی که رفتار و کردار فرد تحت تأثیر اوضاع و احوال قرار گرفته است. از یکسو، تحت تأثیر عوامل فردی (جسمی، روانی) محیط اجتماعی که منشأ فشار به سوی رفتار ضداجتماعی و ارتکاب جرایم می‌شود. و از طرف دیگر، اوضاع و احوال و موقعیت اجتماعی سبب مقاومت و خودداری او شده، مانع ارتکاب جرم می‌شود. نظیر فردی که فقر و بیچارگی به او فشار می‌آورد که دست به سرقت بزند، اما برای حفظ حیثیت و اعتبار اجتماعی از این عمل سرباز می‌زند.

افراد در برابر فشار محرکهای خارجی واکنشهای مختلف از خود نشان می‌دهند. فشار روانی سنگین‌تر و پرمخاطره‌تر از فشار فیزیکی است. شدت و میزان فشار بستگی به موقعیت اشخاص و ارزش فشار دارد. افراد در برابر فشارها از توان همسانی برخوردار نمی‌باشند. چه بسا فشاری که شخصی را به زمین می‌زند، برای دیگری فقط نکاتی جزئی باشد، با افزایش فشار و تطویل زمانی آن، مقاومت تضعیف می‌گردد. در برابر فشارها واکنشهای مختلفی اعم از حمله، عقب نشینی و مصالحه ممکن است صورت

گیرد،^(۱۲) کین برگ بروز جرم را ناشی از دو اصل می‌داند.

۱- عوامل فردی که تحریکاتی ایجاد کرده و فرد را به طرف رفتارهای ضداجتماعی می‌کشاند.

۲- مقتضیات فردی که علیه تحریکات به مبارزه برمی‌خیزند.^(۱۳)

ب) نسبت رسانه‌ها - جرم

رسانه‌های گروهی مبتنی بر ارتباط* هستند و ارتباط فرآیندی است که از طریق آن «پیامها» صرف نظر از محتوای آن و وسایل به کار گرفته شده از فردی به فرد دیگر انتقال پیدا می‌کند و به این ترتیب کنش متقابل** امکان‌پذیر است مجموعه شرایطی را که در برابر ارتباطات حاکم است می‌توان در ابعاد فیزیکی (محیط ارتباط و...) فرهنگی (ارزشها و نگرشها و ایستارها و...) روانی - اجتماعی (شرایط و زمینه‌ها و...) و زمانی (زمان برقراری ارتباط) جستجو نمود. رسانه‌های ارتباط جمعی دارای قدرت و شعاع عمل وسیعی در میان توده‌های مردم می‌باشد. پس می‌توان آنها را همچون نهادهای اجتماعی مورد شناخت قرار داد.^(۱۴) در میان عوامل متعدد مرتبط با جرم، نقش رسانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است و در حقیقت احتمال این که تلویزیون، رادیو، مطبوعات، سینما و... هیچ نفوذی در عقایدی که مردم از آنها دفاع می‌کنند و یا رفتارهای مطلوب و به‌هنگار نداشته باشند خیلی کم است با وجود این اگر تعدادی از افراد را به شکل مجرد در نظر بگیریم و آنها را تحت تأثیر مستقیم و بدون قید و شرط رسانه بدانیم نیز اشتباه است. نگرشها و رفتارهای افراد تحت تأثیر روابط اجتماعی خود نیز قرار دارد و به عنوان مثال گروههای نخستین (خانواده، گروه، دوستان، همکاران نزدیک اداری و...) تأثیر بسیاری در این زمینه دارند.^(۱۵)

سابقه نگرانی درباره نقش احتمالی رسانه‌های جمعی (روزنامه‌ها) در افزایش تحمل

*- Communion

** - Interation

مردم در برابر ارتکاب جرم و بزهکاری به سال «۱۹۰۸» و نوشته‌های «توماس» برمی‌گردد. در مجله آمریکن مگزین آمده است که پای بندی اخلاقی و زندگی معنوی در یک اجتماع به میزان تکثیر روزنامه‌ها بستگی دارد. مردم عمیقاً از مطالب مورد توجه روزنامه تأثیر می‌پذیرند و در عین حال تبلیغ کردن جرم و فساد و هرزگی از سوی رسانه‌ها به طرز بی‌سابقه‌یی در اشاعه جرم، فساد و هرزگی نقش دارد^(۱۶). روزنامه‌ها بیشتر طیف با سواد جامعه را مخاطب خود قرار می‌دهند در حالی که تلویزیون آحاد مردم را هدف قرار می‌دهد. به همین دلیل نقش تلویزیون در فرآیند جرم‌زایی خطرناک‌تر و گسترده‌تر است.

از دهه ۱۹۵۰ با توسعه تلویزیون و کم اهمیت شدن نقش رسانه‌های مکتوب نقش این رسانه در فرآیند جرم‌زایی و ایجاد بزهکاری بیشتر مدنظر افکار عمومی قرار گرفت. با رواج دیدگاه رسانه سالاری* که از قدرت بالای رسانه‌ها در القاء و تأثیرگذاری بر روی مخاطبان صحبت به عمل می‌آورد و برای مخاطبان در قبال پیامهای رسانه‌های عمومی نقش انفعالی و تأثیرپذیر قایل بود، در این رویکرد تلویزیون نقش مسلطی یافت که تسوانایی به بازی گرفتن تمامی منابع احساسی و خیال‌پردازی را داشت و عمیقاً می‌توانست در تمامی ابعاد زندگی دگرگونی ایجاد نماید. چنان که مک لوهان در همین دوره مدعی بود که تلویزیون مطبوعات را به زیر سؤال برده است اما با همه‌گیر شدن تلویزیون در دهه ۵۰ و انجام تحقیقات در مراکز رسانه‌ها مشخص شد، که تئوری رسانه مداری چندان هم قابل دفاع نیست و اشتباه و غلط بوده است.^(۱۷) در حال حاضر تئوری اجتماع مداری و گزینش‌گری عقلانی مخاطبان به جای تئوری رسانه مداری جایگزین شده است. با وجود این نمی‌توان منکر نقش تلویزیون و دیگر رسانه‌ها در به تصویر کشاندن جرم و خشونت در مقیاس وسیع و مکرر و تأثیرات آگاهانه و ناآگاهانه آنان شد. زیرا این وسایل علی‌رغم آن که می‌توانند ناقل فکر** باشند و نقش آموزشی ایفاکنند به

* - Mediocrattite

** - Lesmoysens

همین ترتیب هم ممکن است وسایل مؤثری برای تهذیب اخلاق و پرورش سجایا باشند. یا آن که می‌توانند عاملی مؤثر برای انتقال تجارب جنایی و آموزش جرم و خشونت و حالت خطرناک جنایی و انحراف باشند.^(۱۸) مخصوصاً این که در وضعیت فعلی، افراد از زمان تولد تا مرگ با این رسانه‌ها سروکار دارند از این رو نمی‌توان از کنار برائتهای بی‌مناسبت و دور از ملاحظات که به عنوان خبرهای داغ و جهت بازارگرمی در داستانهای جنایی، با آب و تاب تعریف می‌شوند و یا ارزشهایی که توسط سینما به سخره گرفته می‌شوند براحتمی گذشت و شاهد عبور از مرز سنن اجتماعی و تحقیر ارزشها و تأثیرات روانی آنها بود. استمرار این وضع به بروز بی‌تفاوتی و تقویت روحیه تسامح فوق‌العاده و تلقین ارزشهای منفی به جای مثبت منجر خواهد شد.

از این رو عده‌یی رسانه‌ها را به مثابه علل ایجادکننده یا مقوم و تشدیدکننده جرایم و یا تسهیل‌کننده جنایات می‌نگرند، و خواهان اعمال محدودیت و سانسور جهت رعایت حقوق مصرف‌کنندگان مخصوصاً کودکان می‌باشند. این گروه سیاستهای انقباضی و محدودکننده‌یی را جهت نمایش خشونت و جرم و پخش این برنامه‌ها در ساعات کم بیننده و کاهش میزان خشونت رسانه‌ها ارائه می‌دهند.

در مقابل، گروه دیگر با برشمردن نقش نظارتی و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخش رسانه‌ها بر جریان جامعه‌پذیری و درونی‌کردن هنجارها و آموختن تجارب جدید اشاره کرده و با تکیه بر آزادی و حفظ حقوق رسانه‌ها به نقش آنان در بازدارندگی جرایم، افسون‌زدایی از سیستم انضباطی و قهریه (قضایی و پلیسی)، شفاف‌سازی رفتار نهادهای متولی کنترل اجتماعی - تصریح و وضوح هنجارهای اجتماعی و شفاف‌سازی رفتارهای غیرمجاز، و تشدید همنوایی افراد و جامعه با هنجارهای اجتماعی اشاره می‌نمایند و رسانه را به عنوان رابط مردم با دستگاههای متولی سیاستگذاری و اجرا در حوزه کنترل اجتماعی می‌انگارند که می‌توانند شکاف میان واقعیت و حقوق (آنچه حکم داده می‌شود) را در نظام قانونگذاری و قضایی بهتر نشان داده و در سامان‌مندی سیستم قانونگذاری و بالا بردن کارایی سیستم کنترل اجباری به آن کمک نماید.

دغدغه اندیشمندان زمانی تأمین اجتماعی و زمانی توجه به شخصیت بزهکار و علل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی وقوع جرم و زمانی اصلاح بزهکار و پیشگیری از وقوع جرایم و زمانی توجه به حقوق و حمایت از بزه‌دیدگان و شهروندان بود. دو رویکرد انقباض گرا و انضباط گرا که به آنها اشاره شد نیز مبنای سیاستگذاری خود را تأمین امنیت و افزایش ضریب کنترل اجتماعی در جامعه قرار داده‌اند و سیاست جنایی را به عنوان ابزاری برای پیشبرد و اصلاحات اجتماعی و کاهش آسیب‌پذیریهای اجتماعی و پیشگیری از بروز جرایم و افزایش ثبات و امنیت و نظم اجتماعی به خدمت گرفته‌اند.^(۱۹) دو رویکرد فوق سیاستگذاری رسانه‌ای خاصی را پیشنهاد می‌نماید که رویکرد نخست در جهت لزوم رعایت حدود و چهارچوب تعیین شده و با نگاهی تهدیدی به مقوله رسانه در حوزه جرم‌زدایی می‌نگرد و سیاست انقباضی و محدودی را پیشنهاد می‌نماید. رویکرد دوم اصل را بر لزوم وجود رسانه‌ها و حق اظهار نظر و آزادی بیان می‌گذارد و فارغ از قیودات مربوط بیشتر به نقش بازدارندگی رسانه‌ها قایل است و سیاستگذاری خود را با نگاهی انضباطی سامان می‌دهد.

نکته مهم در این میان رعایت برقراری تعادل بین این دو رویکرد و رسیدن به رهیافت تعادلی است که با حفظ حق اظهار نظر و آزادی بیان برای رسانه‌ها قایل به رعایت حدود و حریمها و قیودات در زمینه نمایش خشونت و جرم از طریق رسانه‌هاست و با عطف توجه به دو اثر جرم‌زا و جرم‌زدای رسانه‌ها به رسانه به عنوان ابزاری مکمل و تسهیل کننده سیاست جنایی رسانه‌ای سنجیده می‌نگرد و از موضع نقد دو وجه تهدیدی و فرصتی رسانه را احصاء و به آسیب‌شناسی سیاست جنایی رسانه‌ها می‌پردازد. با تحلیل و تعلیل برنامه‌ها و سیاستها به شرایط تصمیم‌گیری اشاره می‌نماید.

در هر حال نقش رسانه‌ها در شرایط کنونی در شکل دهی به گفتار، کردار، پندار، رفتار عموم مردم و انطباق یا عدم انطباق الگوهای رفتاری افراد یا هنجارهای اجتماعی غیرقابل انکار است. با پیشرفت تکنولوژی، افزایش شهرنشینی، رشد و توسعه مراکز آموزشی، افزایش مراکز صنعتی، مهاجرت، مسائل و مشکلات اجتماعی روز به روز

زندگی جنبه پیچیده‌تری می‌یابد. و واکنشهای اجتماعی نیز در قبال مسائل اجتماعی از تطور و تحول مصون نیست، از طرفی رسانه‌ها در شکل دهی به واکنش اجتماعی و نوع نگاه جامعه به جرم، مجرم، بزه‌دیده، فرآیند جنایی، مجازات دستگاههای متولی کنترل و میزان احساس امنیت یا ناامنی انکار نشدنی است.

رسانه‌های ارتباط جمعی نقش ویژه‌ی در ادراک مخاطبان از محیط اجتماعی و جامعه‌پذیری انتقال ارزشها و بروز احساسات و هیجانات و شکوفا شدن استعدادهای مخاطبان دارند. در واقع رسانه‌ها با این قابلیت می‌توانند هم موجب کشت عناصر جرم‌آفرین و ایجاد انگیزش به بزهکاری را به وجود آورند و هم می‌توانند از جرم‌آفرینی پیشگیری نمایند و با انگیزه‌زدایی، به مردم رفتارهای صحیح زیست جمعی را بیاموزند و نقش بازدارندگی خود را ایفا نمایند. برای عینی‌تر شدن این بحث لازم است که به فرآیند ارتباطات و نهادهای ارتباطی توجه شود. کانالهای ارتباطی یکی از ارکان ارتباط است که برخی آن را «رسانه» نامیده‌اند. (۲۰)

در یک جامعه در حال تحول در طول زمان نقش کانالهای مختلف ارتباطی در انتقال اخبار و اطلاعات مداوم دستخوش تحول می‌گردد و یک رسانه ممکن است در طول یک دهه از نظر خبررسانی و یا نقشهای دیگر مثلاً آموزش اهمیت بیشتری پیدا کند، عامل تحول تنها دگرگونی تکنولوژیک و ساخت فرهنگی، فنی - رسانه‌ای نیست. بلکه دگرگونیهای هم که در وضعیت شرایط فرهنگی و اجتماعی مردم (گروه مخاطبان) به وقوع می‌پیوندد نظیر وضعیت اشتغال، درآمد، سواد و... از این تحول برکنار نمی‌ماند (۲۱). باید دانست که کانالهای مختلف خبری به یک نسبت در دسترس همگان نیست و میزان اعتماد گروههای مختلف نیز همسان نیست. (۲۲)

مردم خواهان کسب اخبار مختلف سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند و بزهکاری و رسانه‌های ارتباط جمعی عهده‌دار چنین امری می‌باشند. جرم به عنوان یک پدیده دایمی در جامعه وجود داشته و دارد. حتی زمانی که نظم اجتماعی به شکل تقریباً امروزی وجود نداشت و از قوانین کیفری به صورت مدون فعلی در غالب نقاط اثری

نبوده پدیده جنایی به زندگی خود ادامه می‌داد. (۲۳) پس همواره در کنار پدیده جنایی مقوله خبر جنایی نیز از اهمیت خاصی برخوردار بوده، نحوه خبرگیری افراد از وقایع جنایی و ابزارهای اطلاع رسانی، در واکنش افراد جامعه خواسته یا ناخواسته نسبت به پدیده‌های مجرمانه و نوع مجازات‌ها، هم‌نوابی با هنجارها و یا مقاومت در برابر آنها اثر می‌گذارد. در عصر ارتباطات و تحولات شتابنده آن در قلمرو اطلاع رسانی، توجهی خاص به مقوله خبر جنایی و وقایع جنایی می‌شود. حجم عظیمی از مطبوعات و نشریات یومیه، برنامه‌های رادیویی، تلویزیون، فیلمهای سینما، تئاتر، برنامه‌های ماهواره، اینترنت، کتب، به این مقوله اختصاص دارد به گونه‌یی که نادیده انگاری این امر مسأله‌ای را حل نمی‌کند و مخاطب با هجمه ارتباطی مواجه است. روشن شدن اذهان و یا تلقین افکار و عقاید و یا انحراف افکار مقاومت‌زدایی یا مقاومت‌سازی براحتی توسط رسانه‌ها امکان‌پذیر است و در این رابطه اصلاً نیازی نیست که مخاطب را منفعل فرض کنیم، حتی مخاطب فعال هم در این تعامل یک سویه و یا دو سویه درگیر است. رسانه‌ها ابزاری کارآمد جهت آگاهی بخشی، کسب توجه دیگران، جلب مشتری، انتقال پیام و اندیشه‌ها و ارزشها و پیشبرد اهداف محسوب می‌شوند و صاحبان رسانه‌ها در این جامعه شبکه‌ای از لحاظ قدرت و کنترل عمومی و از مقامی ممتاز برخوردارند و قادر به تصمیم‌گیری، معیارتراشی، انتقال ارزشی، تدوین استراتژی خود هستند و به قول «میشل فوکو» ما شاهد زوجیت دانش (اطلاعات) با قدرت هستیم. (۲۴)

با این وصف تحلیل پدیده جنایی از منظر رسانه‌ای و نوعی نگاه کنترل از سوی این ابزار به عنوان یک مسأله اجتماعی می‌تواند مطرح باشد. زیرا وسایل ارتباط جمعی ارتباطات جمعی رسانه‌های گروهی براحتی در تار و پود افراد تلقین‌پذیر برای ارتکاب جرایم نفوذ می‌کنند. (۲۵)

نظرپردازان کنترل اجتماعی در کنار ابزارهای متعدد کنترل اجتماعی نظیر قانون، نهادهای نظامی و انتظامی، خانواده، نهادهای آموزشی و دینی به رسانه‌ها نیز اشاره می‌کنند، رسانه‌ها در ساختار اجتماعی و ساخت اجتماعی جرم و افزایش کنترل اختیاری

(درونی) * کاهش کنترل‌های اجباری یا بیرونی ** نقش دارند.

اهمیت این تأثیرگذاری به حدی است که عده‌ی از محققان را بر آن داشته تا محتوای وسایل ارتباط جمعی بویژه اخبار، روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون داستانهای جنایی، کتب، فیلمهای سینمایی، سریالهای تلویزیونی، برنامه‌های ماهواره و اینترنت و... را با دیدگاه انتقادی تجزیه و تحلیل نموده نسبت به پیامهای ارتباط مستقیم و غیرمستقیم محتاط‌تر باشند. رسانه‌ها علی‌رغم آن‌که در ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی و بالا بردن اعتماد عمومی و ایجاد فضای سالم و رعایت شئون اخلاقی و فرهنگی نقش مهمی داشتند اما گاه بخش اخبار جنایی و یا فیلمها و سریالها و داستانهای جنایی یا گریز از این محدودیتها و ایجاد ترس و دلهره در جامعه از وظایف خود تخطی می‌نمایند. مردم نیز که طبیعتاً از وقایع روزمره عادی محیط خویش خسته شده‌اند اشتیاق زیادی به خواندن مطالب حوادث استثنایی و هیجان‌انگیز دارند از این رو ممکن است رسانه‌ها در جهت کسب منافع مادی و رضایت مشتریان به شرح حال بزهکاران و توصیف تمامی جزئیات اقدامات خشونت بار جنایی آنها به صورت اغراق‌آمیز نموده و با دادن شاخ و برگهای بی‌شمار آن را مهیج‌تر کنند. و از یک مجرم ساده به طور موقت یک قهرمان بسازند و آن را به اوج معروفیت و شهرت برسانند برای مثال می‌توان فیلم سینمایی «شهر دیوانه» (امریکا، ۱۹۹۱) را ذکر کرد که به تأثیر رسانه‌ها در بزرگنمایی و یا کوچک نمودن یک مجرم و یک اقدام جنایی می‌پردازد. این سازوکار می‌تواند بسیاری از افراد را که طالب شهرت و کسب محبوبیت و عنوان قهرمانی هستند به ورطه تقلید از سرگذشت این مجرمین و یا انجام اقدامات خطرناک‌تر و ضداجتماعی‌تر یکشانند.

یکی از مشهورترین منتقدان رسانه‌ها به نام پائولو فریره معتقد است که نظام ارتباطی کنونی نه تنها از مردم مخاطب منتقد نمی‌سازد و موجب گسترش و توانایی فراگیری و پیروی از هنجارهای اجتماعی نمی‌شود بلکه مخاطبان را به دریافت کنندگان انفعالی

*- Internal

** - External Control

تبدیل کرده و روحیه تقلید و عدم هشیاری را به آنان منتقل می‌کنند. (۲۶)

برخی دیگر رسانه‌ها را مخزنی برای انتقال تجربیات منفی در زمینه آموزش جرم و جنایت قلمداد کرده و معتقدند که رسانه‌ها تکنیک‌های مختلف فرار از قانون و انجام بزه را به مخاطبان آموزش می‌دهند و معتقدند که تأثیرات منفی ناخودآگاه رسانه‌ها بیشتر از جنبه مثبت آن می‌باشد.

برخی این خطر را مخصوصاً در مورد کودکان جدی‌تر گرفته با توجه به آن که هویت کودکان هنوز تکوین نیافته است و هنوز هشیاری اجتماعی لازم را ندارند و از رشد عقلی لازم برخوردار نیستند، سطح پذیرش در آنها بالاتر و بیشتر راغب به رفتارهای هیجانی‌تر و خطرناک هستند و میل به تقلید و الگو برداری و آمادگی برای خطر کردن و تنوع‌پذیری در آنها به فور دیده می‌شود. لذا باید به این حساسیتها توجه بیشتر نمود. همین امر موجب شده که بسیاری از صاحبان رسانه‌ها برای کسب موفقیت، بالا بردن سطح درآمد این وجه را مورد کاربرد قرار دهند و از این وسایل و این پتانسیل بالقوه در جهت منافع خود استفاده بپردازند. (۲۷)

بزرگسالان چون به غیرواقعی بودن و تصنعی بودن موضوعات فیلمها و جذابیت‌های کاذب آنها واقف هستند کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند اما اطفال و نوجوانان و کسانی که آگاهی و تجربه کافی ندارند آنان را واقعی پنداشته و مظهری از زندگی جدید تصور می‌کنند حال آن که واقعیت زندگی غیر از صحنه فیلم است. تقلید از بازیگران فیلم، همذات‌پنداری با قهرمان فیلم و یادگیری رفتارهای ضداجتماعی مجرمان موجب بروز ناسازگاریهای اجتماعی و ایجاد تصور و انگاره‌های نادرست ذهنی مغایر با هنجارهای اجتماعی خواهد شد. این امر مبین ویژگی ذاتی رسانه در آموزش چهارچوبهای ذهنی و هنجارها و تطبیق‌های اجتماعی و آموزش هر دو وجه همنوایی با جامعه و یا بروز رفتار ضداجتماعی است. اکثر جوانان پس از تماشای فیلمهای شهوانی و تحریک‌کننده در سالن سینما، دستخوش هیجانات جنسی می‌گردند که چون به طور طبیعی ارضا نمی‌گردد چه بسا منجر به حالت‌های عصبی و ستیزه‌های درونی و رفتارهای ضداجتماعی

گردد و یا آن که آنها را از واقعیت جامعه بشدت دور نماید و آنها را به ورطه خیال و وهم و رفتارهای کنترل نشده بکشاند. برای اثبات موارد فوق‌الذکر منطق علمی ایجاب می‌کند که برای سنجش تأثیر علمی متغیری به نام رسانه شرایطی را فراهم آورد که دیگر از تأثیر آن متغیر خبری نباشد. پس باید بین گروه گواه «یعنی کسانی که تحت تأثیر رسانه خاص مثلاً تلویزیون نبوده‌اند» با کسانی که آن برنامه خاص تلویزیون را دیده‌اند مقایسه صورت داد. و نمونه‌های خشونت و بازخوردهای آن پدیده جنایی یا خبر یا فیلم را سنجید، اما با توجه به محدودیت شرایط یعنی فراگیر بودن رسانه‌ها و تبدیل شدن آنها به جزء لاینفک زندگی (مخصوصاً تلویزیون) یافتن گروه گواه غیر ممکن است. (۲۸)

برای بررسی رابطه رسانه با جرم، لاجرم نیاز به تعبیه شرایط تصنعی آزمایشگاهی گواه‌های آماری و مجموعه‌های بزرگی از داده‌هاست. در عین حال در علوم اجتماعی، تحقیقاتی که از همبستگی متغیرها خبر می‌دهند، فراوان و تحقیقاتی که در آنها اکیداً به روابط علمی اشاره می‌شود کمیاب است. در علوم اجتماعی شواهد قطعی کم است و علت را باید از دل بسیاری از شواهد بیرون کشید بدون آن که مدرک در دست باشد. تحقیقات موجود در زمینه نمایش خشونت در رسانه‌ها و جرم‌زایی آن نظر خود را بر دو فرضیه رقیب متمرکز ساخته‌اند ۱- فرضیه تخلیه هیجانی ۲- فرضیه تحریک‌کنندگی.

فرضیه تخلیه هیجانی از این قرار است که تماشای صحیح اعمال خشن و جرایم به نوعی درمان بخش است و موجب تخلیه عصبانیت و نفرت فرد از خود می‌شود و همچون ملینی تمایلات تهاجمی و عشقی افراد را ارضاء می‌نماید. فرضیه تحریک‌کنندگی، قرار گرفتن مستمر در معرض رفتارهای خشن را دارای تأثیر معکوس و مخرب بر شخصیت و نگرش افراد می‌داند و معتقد است که «خشونت، خشونت می‌آفریند» و ارزشهای اخلاقی و هنجاری اجتماعی را کم رنگ می‌نماید. تأکید پیروان فرضیه تحریک‌کنندگی بر مکانیسم‌هایی همچون یادگیری اجتماعی، تقلید و الگوبرداری و همانندسازی، مقبولیت یافتگی، حساسیت زدایی، افزایش سهله و سمحه نسبت به رفتارهای ضداجتماعی، برانگیختگی روانی تقویت بازخوردهای تأیید کننده جرم،

افزایش پتانسیل خشونت و جرم‌زایی می‌شود. از این رو این صاحب نظران، رسانه‌ها را عاملی جهت افزایش خشونت و جرم مخصوصاً در میان جوانان می‌دانند، در این جا باید تأکید کرد که نحوه به نمایش گذاشتن جرم و تکنیکها و شگردهای روانی مورد استفاده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و نمایشهای خشونت که دارای بعد مقبولیتی و تقویت‌کنندگی باشد، آسانتر تأثیر می‌گذارند.

اگرچه انتقادات زیادی به نظریه تحریک‌کنندگی وارد شده است، اما در هر حال نمی‌توان منکر همبستگی میان رسانه و جرم‌زایی گردید و از طرفی نمی‌توان رسانه را تنها بازیگر صحنه دانست. بلکه تأثیر رسانه در شرایط خاص و با رعایت ملاحظات حاکم بر آن رسانه و متأثر از سایر نیروها و عوامل حاضر و غایب در صحنه است. از این رو جستجوی تأثیر علی و مستقیم براحتی امکان‌پذیر نمی‌باشد، اما تأثیرگذاری و هم‌بستگی و تحریک‌کنندگی با رعایت شرایط و مقتضیات و ملاحظاتی پذیرفتنی است. رسانه‌ها بر همه افراد تأثیر یکسانی ندارند چه بسا بیننده‌ای با دیدن صحنه جرم از ارتکاب جرم متنفر و دیگری راغب به انجام جرم شود.

در یک تحقیق میدانی خانم «لئو برای» می‌گوید: «درصد مطالعه کنندگان رویدادهای جنایی که بعداً مرتکب جرم می‌شوند کمتر از کسانی است که مطالعه می‌کنند و مرتکب جرم نمی‌شوند. (۲۹)

تحقیقات متناقض در رابطه با جرم‌زایی رسانه‌ها بیشتر به مشکلات ذاتی این عرصه بر می‌گردد. زیرا انجام تحقیقات کمی در غیر شرایط آزمایشگاهی و تأثیرات بر جنبه‌های کیفی زندگی بسیار دشوار و غیرقابل تعمیم است در نتیجه اکثر شواهد حالت توصیفی دارند تا بررسی کمی ثانیاً شیوه‌های تأثیرگذاری رسانه‌ها بر جرایم بسیار زیاد است ثالثاً به دلیل کوچک بودن جرم‌زایی رسانه‌ها در سطح جامعه و پیوند آن با سایر عوامل نمی‌توان مستقلاً نقش رسانه را سنجید رابعاً مشخص نمودن دقیق افرادی که تحت تأثیر رسانه مجرم شده‌اند با توجه به تأثیرات ناآگاهانه رسانه‌ها مشخص نیست. از طرفی چه بسا برخی از رسانه‌ها در زمینه ارتکاب بزه تأثیر پذیرفته باشند. اما هنوز این

تأثیر به فعلیت نرسیده باشد و به همان حالت بالقوه مانده باشد با وجود این نمی‌توان منکر رابطه امنیت اجتماعی و رسانه گشت.

ج) عوامل مؤثر بر تأثیرگذاری تصاویر بزهکاری در رسانه‌ها بر فرآیند جرم‌زایی: به نظر محققان عوامل زیر نقش مهمی در تأثیر تصاویر خشن رسانه‌ها بر بیننده دارند و در این زمینه با یکدیگر در تعاملند.

۱- پاداش گرفتن یا تنبیه شدن فرد مهاجم و مجرم و مهم و با ارزش جلوه دادن جرم و مجرم و تحقیر بزه‌دیده یا انداختن تقصیر به گردن بزه‌دیده.

۲- وجود شباهتها بین بیننده و مجرم.

۳- استفاده از شگردها و تکنیکهای مختلف جهت مقبول نشان دادن شخصیت مجرم و توجیه رفتار جنایی او نسبت به بزه‌دیده.

۴- ابهام در نیت مجرم و یا خیرخواهانه جلوه دادن نیت او.

۵- شباهت بین شرایط زندگی مجرم و بیننده نظیر هم نام بودن، هم طبقه بودن، هم سن بودن، جزئیاتی نظیر رنگ مو، چشم، حرکات بدن و یا موارد کلی دیگر.

۶- تأثیرگذاری مثبت مجرم و عواقب مثبت وی که نه تنها نفوذی در مخاطب ایجاد نماید بلکه او را نسبت به مجرم متمایل سازد و سبب ترویج رفتارهای مجرمانه وی گردد.

۷- عدم تفسیر انتقادی از جرم و مجرم و آرایه تصویر مبهم و غیر واقعی از جرم و مجرم.

۸- ایجاد تلذذ در بیننده به واسطه جرم آفرینی مجرم.

۹- صحه گذاشتن بر اعمال مجرم از سوی افراد درون فیلم، مطبوعات، خانواده،

بزرگسالان، گروههای مرجع و مطلوب جامعه.

۱۰- حضور همسالانی پرخاشگر که نقش الگودهی را ایفا نمایند.

۱۱- واقعی جلوه دادن صحنه‌های خیالی فیلم و ذکر جزء به جزء اوصاف.

۱۲- استفاده از فاکتورهای روانی که موجب برانگیختگی، ناکامی، عصبانیت، هیجان،

احساس حقارت و... در بیننده می‌گردد. فاکتورهای روانی تکرار، تلقین، تمرکز و... (۳۰)

د) آثار روانی نمایش جرم و خشونت در رسانه‌ها:

هر روز شاهد شرح مفصلی از جرایم اتفاقی در مطبوعات و رادیو و تلویزیون کشورمان هستیم. بسیاری از نشریات قبل از این که نشریه علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی باشند نشریه جنایی هستند تا آنجا که بعضی حتی ادامه حیاتشان منوط به انتشار این اخبار و گزارشهای غیر واقع بینانه است، از طرفی استقبال مردم نیز از این گونه اخبار کم نیست. ۷٪ مطبوعات اروپایی مطلب خود را به بزهدکاری اختصاص می‌دهند. و از هر ده نفر شهروند فرانسوی ۷ نفر نگران است که می‌آدا قربانی جرم شود. (۳۱)

تحقیقی که کمیسیون جوانان دانمارکی در سال ۱۹۴۶ به عمل آورد حاکی از این امر است که متون مورد علاقه طبقه جوان دانمارک مباحث جنایی و ستون حوادث هفتگی است. (۳۲) رسانه‌های جنایی با عادی جلوه دادن وقایع جنایی یا هیجان بخش به اخبار و گزارشها در جهت خلق شرایط جذاب کننده برای مشتریان و حفظ مشتریان تلاش می‌کنند و به بزرگنمایی و تعریف و تمجید و توجیه پدیده‌های جنایی می‌پردازند. ادبیات مورد استفاده این قبیل رسانه‌ها را اصطلاحاً «سیاه» می‌گویند. (۳۳)

یکی از آثار ناگوار این رسانه‌ها این است که وقتی رسانه‌ها اعلام می‌دارند که فلانی بدترین یا بهترین یا خطرناک‌ترین جنایتکار است موجب می‌شود که این مجرم با این عناوین خویشتن را در زندان تسکین دهد و حتی نسبت به دیگران احساس فخر نماید. به عنوان مثال در مشاهده شخصی با یکی از زندانیان بند اعدامیها و محکومین به زندان طویل‌المدت در زندان قصر تهران فردی که مرتکب چند فقره قتل شده بود تکه‌های روزنامه انتخاب، ایران و همشهری را جمع نموده و با افتخار آنان را به دیگر زندانیان و گروه تحقیق ما نشان می‌داد و احساس مباهات می‌نمود، دیگر زندانیان نیز برای وی احترام خاصی قایل بودند و به تعداد دفعاتی که در روزنامه‌ها و صدا و سیما به موضوع قتل وی پرداخته شده بود، وی خود را از دیگران مهمتر و با ارزشتر می‌دید!

برای تعیین حجم دقیق مطالب جنایی روزنامه‌ها و رسانه‌هایی نظیر رادیو و تلویزیون نیاز به انجام پژوهش کمی جداگانه‌ای است. اما باید گفت در ایران هر روزنامه‌ای حداقل

یک صفحه خود را به شرح و تفصیل و عکس و وقایع جنایی اختصاص داده است که علی‌رغم کارکردهای مثبت دارای کارکردهای منفی نیز هست که به آنها پرداخته خواهد شد. رسانه‌ها به عنوان ابزار احساس و ظریف فرهنگی با روان و افکار مردم سروکار دارد. گابریل تارد، دو کیفیت تقلید و تلقین را به منزله پایه رفتار انسان و کلید درک آن می‌داند و در کتاب خود با عنوان «عقیده و مردم» تأکید می‌کند که مردم تحت تأثیر رسانه‌ها قرار دارند و افکار و تمایلات یک شخص یا یک گروهی از اشخاص توسط رسانه‌ها بین مردم پخش می‌گردد. (۳۴)

برخی معتقدند وسایل ارتباط جمعی موجب برانگیختن ترس جمعی در افراد می‌شوند و عده‌ای معتقدند که اثر وسایل ارتباط جمعی در زمینه انگیزش‌های روانی جنایی تا حدی خنثی به نظر می‌رسد، اما این وسایل منبع یا محرک جرم‌زای مکمل را تشکیل می‌دهند که نسبت به بعضی شخصیت‌های سست و شکننده و ناپایدار مخصوصاً کودکان می‌توانند نقش کاتالیزور را ایفا می‌کنند. (۳۵) اگرچه تقلید ناشی از رسانه را نمی‌توان نادیده انگاشت اما ماهیت جرایم تقلیدی، تعیین زمان وقوع این جرایم را دشوار می‌سازد. برای آن که جرمی را تقلیدی بدانیم باید آن جرم ملهم از جرایمی باشد که در رسانه‌ها بازتاب داشته‌اند و بزه‌کاران در رسانه‌ها چیزی در رابطه با آن شنیده یا دیده باشند و جرم خود را بر آن اساس پی‌ریزی نموده باشند. در جرایم تقلیدی انتخاب قربانی، انگیزه‌ها و شگردهای اجرایی جرم همان بازتاب رسانه‌ای یا الهام گرفته از آن باشد، البته رسانه بیشتر نقش معد و کاتالیزور را دارد تا عامل مستقیم وقوع جرم.

شواهد موجود در مورد جرایم تقلیدی از این مطلب حمایت می‌کند که افراد در معرض خطر و مستعد، که از جرایم به نمایش در آمده در رسانه چیزهایی یاد گرفته‌اند اولین طعمه‌های جرایم تقلیدی هستند جرایم تقلیدی نتیجه و محصول تعامل چهار عامل است: ۱- جرم یا مجرم اولیه، ۲- پوشش رسانه‌ای، ۳- بافت اجتماعی، ۴- خصوصیات مجرمان مقلد.

از دیگر مظاهر تأثیر متقابل جرایم و رسانه‌ها و خطرات تقلیدی می‌توان به جرم

تروریسم اشاره نمود. دو جمله زیر این قضیه را خیلی خوب نشان می‌دهند «تروریستهای جدید از بسیاری جهات محصول رسانه‌ها هستند»، «اگر رسانه‌های جمعی وجود نداشتند، تروریستها آنها را ابداع می‌نمودند» پس رسانه‌های خبری و تروریستها و گروگان‌گیرها و... چند نیاز مشترک دارند اصولاً هر دو سعی می‌کنند به آدمهای بیشتری دسترسی پیدا کنند به خاطر همین نیازهای مشترک هم در این قرن، نوع جدیدی از تروریسم پدید آمده است. تروریسمهای رسانه‌گرایی که برای تبلیغ خودشان خشونت به خرج می‌دهند، و بنابراین دنبال قربانیانی می‌گردند که ارزش خبری بیشتری داشته باشند. تروریسم رسانه‌گرایی یک جرم «تبلیغات مدار» ابلاغی نمادین و نوعی خاص از وقایع رسانه‌ای قهری است، تروریستهای رسانه‌گرایی تابع پنج اصل اند. اولاً اعمال آنها با هدف جلب نظر مخاطبان صورت می‌گیرد و ماهیت تاکتیکی ندارد. ثانیاً قربانیان طوری انتخاب می‌شوند که حداکثر ترس را در مردم ایجاد نمایند و بیشترین تأثیر را بر آنها بگذارند ثالثاً این که رسانه‌ها خشونت تروریست را پوشش می‌دهند، چهارم این که تروریسم موجب فعال شدن و هدایت رسانه‌ها و فریب رسانه‌ها برای پوشش تبلیغاتی اعمال تروریستی می‌شود. پنجم این که دولت‌ها چاره‌ای ندارند جز این که یا خبر ترورها را سانسور کنند یا آن که در رسانه‌ها پخش نمایند و این به شیوع تروریسم کمک می‌کند (۳۴).

رسانه‌ها نیز به تروریسم به چشم یک سرگرمی، نمایش عمومی هیجان‌انگیز که برانگیزاننده توجه عموم مردم است توجه کرده سعی می‌کنند با پروبال دادن به وقایع، سرعت در پوشش خبری، حجم بالای پوشش به افزایش مشروعیت و کسب وجهه عمومی آن کمک نمایند تا منابع و امکانات مالی بیشتری را به دست آورند. پس موضوعاتی نظیر گروگان‌گیری و تروریسم، مقولات مهم و حیاتی برای رسانه‌ها و تروریستها هستند. از این رو پوشش رسانه‌ای وقایع تروریسمی موجب انتقاد به رسانه‌ها به جهت خطر تقلید و تکرار و زمینه‌سازی بروز خشونت و ارائه الگو و آموزش فنون انجام ترور گشته است. چه بسا پوشش خبری ترورها زمینه‌ساز تهدیدات دروغین بعدی در افزایش این جرایم و رقابت ناسالم رسانه‌ها و تروریستها و زیر سؤال رفتن شئون

اخلاقی و خبرنگاری و قانون شکنی و حتی ضربه به منافع و امنیت ملی گردد.

ه) کارکردهای مثبت رسانه در پوشش جرایم:

در موارد فوق‌الذکر بیشتر به کارکردها و مکانیسمهای منفی رسانه در افزایش دامنه جرم و جنایت اشاره شد و تأثیرات احتمالی و الگوبرداری مؤثر در تمایل به انجام اعمال ضد اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و گفته شد که جرم‌زایی رسانه‌ها به عواملی هم چون تعامل محتوای رسانه‌ها (خصوصیات جرایم و مجرمان آنها)، بافت رسانه‌ها، مقدار پوشش، میزان پوشش، سبک ارایه، پخش جرایم همراه با حمایت از آنها و بافت اجتماعی (هنجارهای فرهنگی موجود، گرایشهای مصرف‌کنندگان، فرصتهای ارتکاب جرم و تعداد خلافکاران) بستگی دارد. و این شواهد دلالت بر این امر داشتند که رسانه‌ها بر برخی افراد تأثیرات قابل توجهی گذاشته و اگرچه نمی‌توانند از افرادی که زمینه آن را ندارند مجرم‌سازند اما نقش کاتالیزور، نقش معلم و آموزش دهنده را بخوبی بازی می‌کنند، مخصوصاً کودکان و بیماران روانی و طالبان شهرت و تروریسمها را بشدت تحریک می‌نمایند، اما در مکانیسمهای مثبت باید گفت رسانه‌ها به دلیل برخورداری از حجم زیاد مخاطب، می‌توانند از لحاظ بسیج منابع جهت تحقیق جنایی و کمک به مأموران تحقیق مورد توجه قرار گیرند. رسانه‌ها با توصیف اشخاص و علایم و نشانه‌های تبهکاری و تبهکاران فراری که پلیس در جستجوی آنهاست و انتشار مشخصات گم‌شدگان، انتشار علل وقوع جرم و توصیف اشیای مسروقه و وضعیت بزه‌دیده، انتشار شماره اسکناسهای مسروقه، مردم را متوجه اعمال بزهکاران نمایند و از طرفی با آموزش روشهای مقابله با جرایم و تنویر افکار عمومی نقش پیشگیرانه ایفاء نمایند و با دادن اطلاعات هشدار دهنده به افزایش مکانیزمهای نظارتی و کنترلی کمک نمایند. یا آن که با شانتاژهای تبلیغاتی و زیر سؤال بردن جرم، مانع اشاعه جرم شوند. و یا با عدم پوشش خبری و استفاده از شگردهای خاص پوشش، مانع نشر اندیشه‌ها و شیوه بزهکاری شوند و با تقویت فضای عقلانیت، آرامش و توازن عاطفی مانع

بروزانگیزه‌های جنایی گردند.

ولی باید گفت در قبال رسانه‌هایی که به شرح و توصیف گزارش و پوشش تصویری و رسانه‌ای اخبار هیجان‌آمیز جنایی که موجب بروز احساس عدم امنیت در مخاطبان و آسیب‌های روانی می‌گردند و حتی در مورد کودکان خطر بروز جرم تقلیدی و انحرافات جنسی ناشی از تأثیر رسانه‌های ولنگار و همه چیز نویس که توأم با تصاویر و شرح و بسط هیجان‌انگیز روابط جنسی، هتک حرمت و مشاهده صحنه‌های بزه در تلویزیون و پرده سینما و تئاتر و... را افزایش می‌دهند نمی‌توان با اغماض برخورد نمود. از این رو قانون محدودیتهایی را برای رسانه‌ها قایل شده است و تأکید کرده است که در صورتی که به سبب سوءنیت متولیان یک رسانه در درج یک خبر جنایی مبنی بر بهره‌برداری مادی از یک واقعه جنایی ضرر و زیانی مادی و معنوی به بزه‌کار یا بزه‌دیده یا افراد جامعه وارد آید. طبق اطلاق بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری آنها می‌توانند مطالبه خسارت نمایند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

مسئله ناامنی و احساس ترس ناشی از پدیده مجرمانه از موضوعات شناخته شده در جامعه‌شناسی جنایی است و رشد بزهکاری بی‌تردید یکی از مسایل و معضلات جدی اجتماعی است که نظامهای مختلف سیاسی صرف‌نظر از ایدئولوژیهای حاکم بر آنها جهت مهار رشد و تبعات احتمالی آنها غالباً ناتوانند. نسبت به رسانه‌های گروهی ۳ اتهام مختلف مورد توجه بوده است که به درستی به اثبات نرسیده‌اند. رسانه‌های گروهی متهم‌اند به ۱- «عدم مسؤولیت؛ اولاً بدین معنی که مطالبی را به عنوان واقعیت مطرح می‌نمایند که دلیل واقعی برای آنها وجود ندارد؛ ثانیاً بدین معنی که اطلاعات دقیق را در خصوص چگونگی ارتکاب جرایم به مردم می‌دهند) بدین ترتیب احتمالاً موجب بروز جرایم رقابتی می‌شوند) ۲- ساختن «اخبار تصنعی» که یا ناصحیح است و یا بی‌فایده ۳- ایجاد و تحمیل وحشت‌زدگی اخلاقی به واسطه خبررسانی گزینشی و تمرکز قالبی بر

روی مشکلات اجتماعی جالب توجه، پس رسانه‌ها هم می‌توانند نقش امنیت‌سازی و هم ناامن‌سازی فضای اجتماعی را بر خود بار نمایند. از این رو ضروری است که سیاست‌های مدرن رسانه‌ای تعبیه‌گشته و حدود و ثغور نقش رسانه‌ها در کنترل اجتماعی و پیشگیری و مبارزه با جرایم مشخص گردد تا واکنش جامعه علیه جرایم سامان‌مند و مبتنی بر قواعد سازمان یافته و نهادینه گردد. و با رسانه‌هایی که محل نظم و امنیت عمومی می‌باشند برخورد قانونی شود و به نقش الگودهی رسانه‌های امنیت‌گستر توجه بیشتر شود تا احساس امنیت و آگاهی عمومی افزایش یابد، متأسفانه به دلیل ناآشنایی رسانه‌ها با حقوق و تکالیف خود در قانون اساسی، قانون مطبوعات، حقوق رسانه‌ها و ابهامات و ضعف‌های قانونی مرز بین بازدارندگی از بزه و تشویق به بزهکاری دقیقاً مشخص نیست و اگرچه حقوق و آزادی رسانه به عنوان امری پذیرفته شده و قابل احترام است اما تکلیف آنها در برابر جامعه نباید فراموش گردد تا در کنار وجود بحث آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی و آموزش رسانه در پیشگیری و بازدارندگی از وقوع جرم از کارکردهای منفی آنها کاسته شود و آنها بتوانند به وظایف خود در سایه تئوری‌های کنترل اجتماعی بپردازند و واکنش جامعه در مقابل بزهکاری را به سمت جنبه‌های انسانی‌تر و علمی‌تر ببرند و محیط اجتماع را برای زیست جمعی مساعدتر نمایند.

یادداشت‌ها

- ۱- کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، ج اول، تهران، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳، ص ۵۰.
- ۲- تاجیک، محمدرضا، مدیریت بحران، تهران، نشر گفتمان، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۴.
- ۳- محمودی، فیروز، امنیت و ناامنی در پرتو سیاست جنایی، ارائه شده به سمینار توسعه و امنیت عمومی، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۵ کتابخانه عمومی دانشگاه، امام صادق (ع) ص ۸.
- ۴- عطارزاده، مجتبی، تأثیر رویکرد جدید مفهوم و امنیت ملی، مطالعات راهبردی، پیش شماره ۲، تابستان

۱۳۷۷، ص ۸۶.

۵- هابز، لویاتان، ت: حسین بشیریه. تهران، چاپ اول، نشر نی. ۱۳۷۹، ص ۲۰-۳۹.

۶- شریعت، فرشاد، جان لاک، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۰، ص ۳۴.

۷- منتسکیو، قرارداد اجتماعی، ت: غلامحسین زیرک‌زاده، تهران. چاپ اول ۱۳۲۴، ص

۸- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج اول، تهران، نشر میزان چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۳

9- Ray Surette: The Social Construction of Crime and Violence; in med, Crime, and Criminal

Justic. Wadsworth Publishing Company, Second edition, 1998:pp:10

۱۰- رضایی، عبدالعلی، مطبوعات و فرهنگ عمومی (مجموعه مقالات فرهنگ و جامعه)، تهران، آرون،

چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۶۷.

۱۱- دانش، تاج‌زمان، مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست، تهران، کیهان، چاپ هفتم، ۱۳۷۶- ص ۶۷-۷۰.

۱۲- بیرجندی، پروین، روان‌شناسی رفتار غیرعادی، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۷، ص ۷۰-۷۲.

13- Kinberg: Psychologie Sociale Paris: 1959;pp:150

14- Park.j: Social Attitudes of Korean's New Middle class; Sociological Abstract. Vol 72. No;3

june 1997. pp:1252.

۱۵- محسنی، منوچهر، بررسی آگاهیه‌ها و نگرشها و رفتارهای اجتماعی در شهر تهران، زهد، چاپ اول،

۱۳۷۹، ص ۳۲۷.

16- RAY Surette: Ibid; pp:115

۱۷- نک: محسنیان راد، ارتباط‌شناسی، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۵

۱۸- گسن، ریموند، جرم‌شناسی نظری، ت: مهدی کی‌نیا، تهران، مجد، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۱۱۳.

۱۹- سیاست جنایی (Criminal Policy) اولین بار توسط حقوقدانان آلمانی و شخص فویرباخ در سال ۱۸۰۳

به کار رفت و سیاست جنایی را مجموعه شیوه‌هایی می‌داند که در خور پیشنهاد به قانونگذار باشد، و در یک زمان و مکان معین برای مبارزه با بزهکاری به کار می‌رود.

نک: پیکاک، زرر، جرم‌شناسی. ت: دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۷۰، ص ۴۲.

لواسور، زرر، سیاست جنایی، ت: دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید

بهشتی، شماره ۱۱-۱۲، ص ۳۹۹.

۲۰- محسنی، منوچهر، همان، ص ۲۲۹.

۲۱- اسدی، علی، با همکاری هرمز مهرداد، نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعه فرهنگی، تهران پژوهشکده

علوم ارتباطی، ۱۳۵۵، ص ۲۵.

۲۲- محسنی، همان، ص ۲۲۹.

۲۳- نوربها، رضا، زمینه جرم‌شناسی، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۸.

۲۴- ناجیک، محمدرضا، همان، ص ۱۴۴.

25- Kinberg: Ibid: 197

۲۶- نک: زارع، بیژن، جامعه‌شناسی مطبوعات (وضعیت تحقیقات فرهنگی، اجتماعی در ایران به همت

منوچهر محسنی، مسعود کونوری)، تهران رسانش، چاپ اول، ۶۸ - ص ۳۱۵.

۲۷- نک: اسدی علی، مقدمه‌ای بر رسانه‌های همگانی، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه، تهران ۱۳۵۸.

ره‌پیک حسن، حقوق امنیتی، کنترل اجتماعی و رسانه‌ها، مطالعات راهبردی، شماره ۹، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۳۵.

28- Ray Surette: Ibid: 117

۲۹- کی‌نیا، مهدی، همان، ص ۵۲۵

30-Ray Surette: Ibid: 119

۳۱- آشوری، محمد، جزوه جامعه‌شناسی جنایی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۰-۱۳۷۹؛ ص ۱۲۸-۱۱۲.

۳۲- کی‌نیا، همان، ص ۵۲۶-۵۲۵.

۳۳- شیخاوندی، داور، آسیب‌شناسی اجتماعی؛ گناباد؛ نشر مرندید، چاپ اول، ۱۳۷۳؛ ص ۳۵۰.

۳۴- کی‌نیا، مهدی، کلیات جرم‌شناسی، ۱۳۴۶، ص ۱۱۳۳.

۳۵- گسن، همان، ص ۱۲۶.

36- Ray Surette: Ibid: 122-123.



قالی علی علیه السلام:

الطَّامِعُ فِي وَثَاقِ الدَّنِّ

آزمند در بند دلت و خواری است